

## Attitude of Accounting Students towards Master's Degree

**Mohammad Arabmazar Yazdi\*** 

Associate Professor of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Marabmazar@sbu.ac.ir

**Parastoo Dehpour Atashbeik** 

Ph.D Candidate of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. P\_dehpour@sbu.ac.ir

**Zahra Joudaki Chegeni** 

Ph.D Candidate of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. z\_joudakichegeni@sbu.ac.ir

### Abstract

**Purpose:** The purpose of the present study is to explore the attitude of accounting students towards the master's degree.

**Method:** The current research is qualitative research and was conducted using the theme analysis method. The statistical population includes students and graduates of master's degrees in accounting from public universities of the country, who were selected by the snowball method. Data collection continued until theoretical saturation was reached. In the present research, after conducting 14 interviews with students and graduates of public universities, theoretical saturation was determined.

**Results:** The results of this research introduce four main themes, including economic, political and cultural contexts, expected points from continuing education, the gap between expectations, and optimal solutions for conducting the master's course from the students' point of view.

**Conclusion:** Economic, political and cultural contexts affect the attitude of accounting students towards the master's degree. Also, accounting students entered this course hoping to get different points, and due to the issues that exist, their expectations have not been met sufficiently.

**Contribution:** By identifying the motivational factors of accounting students, the present research can provide solutions to law-making institutions such as the Ministry of Science and universities to meet the needs of students and professionals with master's degrees.

**Keywords:** Theme Analysis, Accounting, Master's Degree, Students' Attitude.

### Research Article

**Cite this article:** Arabmazar Yazdi, Dehpour Atashbeik & Joudaki Chegeni (2023) Attitude of Accounting Students towards Master's Degree, Journal of Financial Accounting Knowledge, Vol.10, NO.1, Spring 2023, 33-59.

**DOI:** 10.30479/jfak.2023.18337.3064

**Received on** 22 January, 2023 **Accepted on** 11 May, 2023

© The Author(s).



**Publisher:** Imam Khomeini International University.

**Corresponding Author:** Mohammad Arabmazar Yazdi (Marabmazar@sbu.ac.ir)

## نگرش دانشجویان حسابداری نسبت به مقطع کارشناسی ارشد

محمد عرب مازار یزدی \*

دانشیار حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [Marabmazar@sbu.ac.ir](mailto:Marabmazar@sbu.ac.ir)

پرستو دهبور آتش‌بیک \*

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [P\\_dehpour@sbu.ac.ir](mailto:P_dehpour@sbu.ac.ir)

زهرآ جودکی چگنی \*

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [z\\_joudakichegeni@sbu.ac.ir](mailto:z_joudakichegeni@sbu.ac.ir)

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف کنکاش پیرامون نگرش دانشجویان حسابداری نسبت به مقطع کارشناسی ارشد صورت گرفته است.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است و با استفاده از روش تحلیل تم انجام شده است. جامعه آماری شامل دانشجویان و فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه‌های دولتی کشور است که به روش گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند. جمع‌آوری داده‌ها تا زمان دستیابی به اشباع نظری ادامه یافته است. در پژوهش حاضر پس از برگزاری ۱۴ مصاحبه از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی، اشباع نظری محرز گردید.

**یافته‌ها:** نتایج این پژوهش چهار تم اصلی شامل بسترهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، امتیازات مورد انتظار از ادامه تحصیل، فاصله انتظارات و راهکارهای برگزاری بهینه دوره ارشد از نگاه دانشجویان را معرفی می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** بسترهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نوع نگرش دانشجویان حسابداری نسبت به مقطع کارشناسی ارشد را تحت الشعاع قرار می‌دهد. همچنین دانشجویان حسابداری به امید کسب امتیازات مختلفی وارد این مقطع شده و به سبب مسائلی که وجود دارد انتظارات آنها به میزان کافی برآورده نشده است.

**دانش افزایی:** پژوهش حاضر با شناسایی عوامل انگیزشی دانشجویان حسابداری می‌تواند به نهادهای قانون‌گذار نظیر وزارت علوم و دانشگاه‌ها راه‌حل‌هایی ارائه دهد تا نیاز دانشجویان و متخصصان دارای مدرک کارشناسی ارشد برآورده شود.

**واژگان کلیدی:** تحلیل تم، حسابداری، کارشناسی ارشد، نگرش دانشجویان.

### مقاله پژوهشی

\*استناد: عرب مازار یزدی، دهبور آتش‌بیک و جودکی چگنی (۱۴۰۲): نگرش دانشجویان حسابداری نسبت به مقطع کارشناسی ارشد،

فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، مقاله پژوهشی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، ۳۶-۳۳-۵۹.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۲/۲۱

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) © حق مؤلف نویسندگان



## ۱- مقدمه

آموزش دانشجویان حسابداری در مقاطع تحصیلات تکمیلی و نحوه کارایی و اثربخشی آن سال‌هاست که به یکی از دغدغه‌های اصلی صاحبان فرایند آموزش آکادمیک تبدیل شده است و محققین را به پژوهش درباره آن ترغیب کرده است (ون ویه، ۱۹۹۴ و کاوونگ و درنان، ۲۰۰۸؛ ۲۸۵). در حقیقت، موضوع آشنایی دانشجویان با طیف گسترده‌تری از مهارت‌ها توسط دانشگاه‌ها، بحث‌های زیادی را ایجاد می‌کند (ماتیوس، ۲۰۰۰). برخی بر این باورند که تحصیلات تکمیلی باید پایه‌های یادگیری مستمر، توسعه مهارت‌های گسترده‌تر و ایجاد تفکر انتقادی را فراهم کند (وست، ۱۹۹۸؛ کوپر، ۲۰۰۲ و هاویسون، ۲۰۰۳؛ ۷۲). در تلاش برای تشویق یادگیری مستمر، دانشگاه‌ها فرصت‌های آموزشی بیشتری را از طریق دوره‌های تحصیلات تکمیلی با برنامه‌های درسی تخصصی و عمومی فراهم می‌کنند. دوره‌های تحصیلات تکمیلی عموماً دانشجویانی را هدف قرار می‌دهند که مقطع کارشناسی را سپری کرده‌اند (زیگرز و بارون، ۲۰۰۹؛ ۵۷۰). در همین راستا، جیسن و ثومن (۲۰۱۰؛ ۳۲) این ایده را مطرح کرده‌اند که دانشجویان کارشناسی ارشد به منظور تقویت توان آموزشی یا پژوهشی، دستیابی به امنیت و موقعیت شغلی مناسب و گاه برای تحصیل مدرک دکتری، گام در این مسیر می‌نهند. دانشجویان کارشناسی ارشد با گذراندن این مقطع، اغلب درصدد تقویت مهارت‌های فکری، فنی و عملکردی، شخصی، ارتباطی و مدیریت سازمانی می‌باشند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۵۴۳). با این وجود، نگرانی‌هایی در برآورده شدن انتظارات دانشجویان کارشناسی ارشد وجود دارد. این دغدغه در رشته حسابداری به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مهارت‌های چندگانه بیشتر به چشم می‌خورد.

در سطح جهانی، پژوهشگران از بابت این که آموزش حسابداری بیش از حد بر توانایی‌های فنی فارغ‌التحصیلان در مقابل سایر شایستگی‌ها تأکید می‌کند، ابراز نگرانی می‌کنند. کمیته‌های آموزش حسابداری در ایالات متحده تعدادی از نارسایی‌ها را در آموزش حسابداری شناسایی و تغییراتی را در دوره توصیه کرده‌اند. نظر غالب این است که دوره‌های دانشگاهی دیگر نمی‌توانند کاملاً محتوا محور و محدود به مهارت‌های فنی خاص باشند. اگر قرار است دانشجویان فارغ‌التحصیل به عنوان متخصصان دانش در محیط تجاری بسیار متغیر جهانی موفق شوند، باید طیفی از مهارت‌های فنی و عمومی را دارا باشند. مهارت‌های عمومی، ویژگی‌های قابل انتقال را به تناسب صنعتی که فارغ‌التحصیلان در آن کار می‌کنند، در بر می‌گیرد. مهارت‌های عمومی شامل مهارت‌های ارتباطی، تیمی، رهبری، حل مسئله، مهارت‌های تحلیلی است، اما محدود به آنها نیست (دی لانگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ ۳۸۰). این در حالی است که محتوای واقعی دوره‌های حسابداری باید منعکس‌کننده تمرکز بیشتر بر توسعه مهارت‌های عمومی باشد تا اینکه اطمینان حاصل شود که حرفه حسابداری به فارغ

التحصیلان ماهر دسترسی پیدا خواهد کرد (آلبرشت و ساک، ۲۰۰۰؛ ۶۷). لذا، نیاز به راهبردهای آموزشی جایگزین نظیر کارگاه‌های آموزشی و توسعه مهارت‌هایی مانند تفکر خلاق و انتقادی احساس می‌شود (بوند و فلیتی، ۱۹۹۱ و هانتون، ۲۰۰۲). در همین راستا، از مریمان حسابداری در سرتاسر جهان خواسته می‌شود که محتوای آموزشی را تغییر دهند تا فارغ‌التحصیلان حسابداری با مجموعه گسترده‌تری از مهارت‌ها و ویژگی‌ها آشنا شوند (براون، ۲۰۰۴).

از طرفی، شرایط کلان‌کشوری نظیر وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه ای بر نگرش افراد و دانشجویان آن جامعه اثرگذار است. کرومیداس (۲۰۱۷؛ ۸) معتقد است تنگناها و شرایط اقتصادی منجر به تمرکز بر سیاست‌های مبتنی بر بازار کار در آموزش عالی شده است. این مساله سبب شده است تا نهاد اجتماعی (دانشگاه) به یک بازار معمولی تبدیل شود، جایی که کسب مدرک به عنوان ارزشی تلقی می‌شود که می‌توان آن را به نیروی کار و کسب درآمد تبدیل کرد. در این مسیر، بازار آموزش به ابزاری برای پیشرفت اقتصادی تبدیل شده است که طبعاً از نقش اصلی خود فاصله گرفته است. افزون بر این، سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی دولت بر تقویت سیستم آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها نقش موثری را ایفا می‌کند. همچنین، عوامل فرهنگی به عنوان یک برنامه‌ریزی ذهنی و اجتماعی زمینه‌ساز رشد و توسعه فکری و فرهنگی دانشجویان خواهد شد (حسینی و خوئینی، ۱۳۹۹؛ ۷۳).

گسترش و توسعه آموزش عالی عاملی مهم برای توسعه اجتماعی-اقتصادی، به ویژه از لحاظ آماده‌سازی نیروی انسانی متخصص و کارآمد به شمار می‌رود. سنجش نگرش‌های دانشجویان، از بنیادی‌ترین ضرورت‌ها در زمینه برنامه‌ریزی درسی و تدوین راهکارهای بهبود برنامه درسی در نظام آموزش عالی به شمار می‌آید و امکان شناخت دقیق نیازها و دغدغه‌های نسل جوان و دانشجو و نحوه پاسخگویی به آن را فراهم می‌سازد (فتاحی و علیپور، ۱۳۹۷). بنابراین، شناخت وضع موجود و یافتن علت مشکلات دانشجویان به عنوان یکی از مهمترین اجزای سیستم آموزشی دارای اهمیت فراوان است (اکیدی، ۱۳۹۸).

امروزه ثابت شده است که توسعه اقتصادی به نوسازی و تقویت تفکر انتقادی و مهارت‌های تحلیلی در حسابداران نیاز دارد. بر همین اساس می‌توان تصور کرد که نقش تحصیلات تکمیلی در حرفه حسابداری اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بسیاری از دانشگاه‌ها، اساتید و کارفرمایان، زمان و منابع مالی خود را صرف استقرار امکانات برتر در حوزه تحصیلات تکمیلی می‌کنند، اما تحقیقات علمی اندکی به چگونگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پرداخته‌اند. چنین مطالعاتی با شناسایی عوامل انگیزشی دانشجویان ارشد رشته حسابداری می‌تواند به نهادهای قانون‌گذار نظیر وزارت علوم و دانشگاه‌ها راه‌حل‌هایی را ارائه دهد تا رضایت جامعه دانشجویی و نیاز دانشجویان و متخصصان دارای مدرک کارشناسی ارشد

برآورده شود. به منظور پرکردن شکاف تحقیقاتی موجود، پژوهش حاضر نگرش دانشجویان را برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، بررسی می‌کند.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه

از دیرباز آموزش به عنوان پایه و اساس یک جامعه پایدار و پویا در نظر گرفته شده است. دانشجوی فارغ التحصیل یا در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در یک محیط پژوهش محور فعالیت می‌کند (بریک و همکاران، ۲۰۱۱؛ ۵۷). دانش تولید شده از طریق تحقیق و تجربه عملی ناشی از صنعت باید به برنامه‌های درسی در سیستم‌های آموزش عالی تزریق شود، تا فارغ التحصیلان آینده را با مهارت‌ها و ویژگی‌های مرتبط آشنا کند. این امر مهم است زیرا بسیاری از سازمان‌ها اکنون تاکید بیشتری بر مهارت‌های کاربردی دارند. چرا که فارغ التحصیلان را قادر می‌سازد تا با داشتن دید گسترده‌تر نقش مهمی در عملکرد عملیاتی، جهت‌گیری استراتژیک و ارائه پیش‌بینی‌های مناسب داشته باشند (عثمانی و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۳۲۱).

دانشجویان دوره کارشناسی ارشد نسبت به این دوره، اهداف، انتظارات و انگیزه‌های متفاوتی دارند. این نکته حائز اهمیت است که اهداف و انتظارات هر جامعه‌ای، متأثر از شرایط گوناگونی اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. مسائلی همچون تورم، بیکاری و تحریم از عواملی هستند که سیستم آموزشی و دیدگاه دانشجویان را تحت الشعاع قرار می‌دهد (بلاس و همکاران، ۲۰۱۷، ۲۲۳). در همین راستا، کونا و همکاران (۲۰۲۲، ۳) نشان دادند که یکی از بزرگترین انگیزه‌ها برای پیگیری آموزش عالی ناشی از بازده اقتصادی مورد انتظار آینده است. مضافاً، آنان سطح سواد مالی را با تصمیمات اقتصادی بلندمدت مرتبط دانستند. شیائو و اونیل (۲۰۱۶، ۷۱۶) نشان دادند که آموزش مالی (که منجر به سواد مالی بهتر می‌شود) تأثیر مثبت قابل توجهی بر توانایی مالی (یا اثربخشی تصمیم‌گیری مالی) دارد همچنین عملکرد تحصیلی دانشجویان نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور دارد. چیتسکو و لیزاندرو (۲۰۱۵، ۸۲۳) معتقدند جامعه انسانی، حساس به چالش‌های محیط خارجی بوده و با تغییر قوانین، شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فناوری تغییر می‌کنند. جامعه دانشگاهی و دانشجویان نیز از این موضوع مستثنی نیستند. از این رو، ساختارهای قانونی باید واکنش افراد را به پیامدهای ناشی از این تغییرات در نظر بگیرند. به منظور ارتقای آموزش عالی و بهینه‌سازی ظرفیت و خدمات آموزشی باید سیاست‌های آموزشی مناسبی اتخاذ گردد.

از منظر دیگر، نظریه انگیزشی مبتنی بر چهار گرایش اصلی شامل رفتارگرایانه، شناخت‌گرایانه، انسان‌گرایانه و روانکاو می‌شود (پنا، ۲۰۰۱). انگیزش، از دیدگاه رفتارگرایی، به دنبال نشان دادن تأثیر انواع حالت‌های فیزیولوژیک بر رفتار انسان است (لوپس و ایب، ۲۰۰۳؛ ۹۱). به گفته باررا (۲۰۱۱؛ ۱۶۴)، نظریه رفتارگرایی بر عوامل محیطی در تعیین رفتار

با در نظر گرفتن محرک‌های پس‌زمینه و به ویژه محرک‌های تقویت‌کننده یا تنبیهی تأکید می‌کند. دیدگاه شناختی بر فرآیندهای تفکر که در انگیزش فرد دخیل هستند، تأکید می‌کند (کاستانیون، ۲۰۰۷، ۵۴). رویکرد انسان‌گرایانه بر فرد و روابط بین فردی او متمرکز است و هدف آن درک رشد فرد در فرآیندهای ساخت درونی و سازماندهی شخصی واقعیت، در تعامل با جامعه است. دیدگاه روانکاوی کنش انسانی را به عنوان انگیزه نیروهای ناخودآگاه تصور می‌کند که هدف آن ارضای انگیزه‌های شخصی و فردی است (باررا، ۲۰۱۱؛ ۱۶۶). در این گرایش، محققان فکر می‌کنند که رفتار انسان با انگیزه‌های ناخودآگاه و انگیزه‌های غریزی تعیین می‌شود (سامپایو، ۲۰۰۵). از این رو می‌توان نتیجه گرفت افراد برای هر اقدام خود نظیر تصمیم برای ورود به تحصیلات تکمیلی، اهداف و انگیزه‌های متفاوتی داشته باشند که دانشجویان رشته حسابداری از این موضوع مستثنی نیستند.

دورسو و همکاران (۲۰۱۶؛ ۲۴۷) بر این باورند که ورود به بازار کار انگیزه دانشجویان رشته حسابداری برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد را افزایش می‌دهد. لیل، میراندا و کارمو (۲۰۱۳؛ ۱۶۴) انگیزه دانشجویان حسابداری در دانشگاه دولتی برزیل را تحلیل کردند. نویسندگان شواهدی یافتند که از یک سو، دانشجویانی وجود دارند که مایل به کسب دانش بیشتر یا فراهم کردن زمینه مناسب برای موقعیت شغلی بهتر هستند. در حالی که از سوی دیگر، دانشجویانی بودند که فقط به گرفتن مدرک علاقه داشتند. بکوئه و همکاران (۲۰۱۸) استدلال کردند دانشجویان علاقه ذاتی خود را در تصمیم‌گیری برای رشته حسابداری و در نتیجه اشتغال در این رشته بسیار مهم می‌دانند. چی و همکاران (۲۰۲۲، ۲۰۴) نشان دادند که فرصت‌های پیشرفت شغلی بر تصمیم دانشجویان برای تبدیل شدن به حسابداران واجد شرایط تأثیر می‌گذارد. دانشجویان حسابداری به طور کلی ادعا می‌کنند که عنوان «حسابدار حرفه‌ای» فرصت‌های کاری عالی را به آنها ارائه می‌دهد.

علاوه بر موارد فوق، هر یک از دانشگاه‌های معتبر جهان نظیر دانشگاه ممفیس، دانشگاه استنفورد، دانشگاه نیویورک، دانشگاه پنسیلوانیا و مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی لندن و... دارای وجه مشترکی در رابطه با اهداف برگزاری دوره کارشناسی ارشد حسابداری می‌باشند. دانشگاه‌های مذکور هدف از برگزاری این دوره را به شرح ذیل بیان نموده‌اند: تقویت مهارت‌هایی برای برقراری ارتباط میان فعالیت‌های اقتصادی سازمان‌های گوناگون، تعامل با افراد صاحب منصب در نهادهایی نظیر کمی‌پی‌ام‌جی و انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز، همکاری با سازمان‌های معتبر جهانی مانند پرایس واتر هاوس کوپرز، دیلویت و هوای، آمادگی کامل برای تحقیقات دانشگاهی رشته حسابداری یا مالی، تخصص در یک مسیر مشخص شغلی مانند حسابداری بین‌المللی، مدیریت مالی و...، برقراری رابطه میان حسابداری و مدیران سازمان‌ها، مؤسسات، سیاست‌های عمومی و نهادهای نظارتی، برخورداری از

معافیت‌های دوره‌های مدرک دوره بین‌المللی حسابداری، آمادگی برای شرکت در دوره‌های حسابداری رسمی یا حسابداری مدیریت و همچنین تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی به منظور تسهیل مشکلات مختلف. همانطور که از موارد فوق استنباط می‌شود، غالب دانشگاه‌های معتبر جهان، هدف از برگزاری دوره کارشناسی ارشد رشته حسابداری را بهبود موقعیت‌های شغلی دانشجویان در نظر می‌گیرند.

در دهه‌های اخیر، آموزش عالی با مسائل و چالش‌های عدیده‌ای همراه بوده که منجر به برآورده نشدن انتظارات و اهداف دانشجویان و تغییر نگرش دانشجویان نسبت به این مقاطع شده است. دانشجویان و دانش‌آموختگان از کیفیت‌های پایین فرایندهای تدریس، ناتوانی آموزش در جهت یادگیری، مشارکت نداشتن در یادگیری و همچنین عدم وجود استانداردهای مدون آموزشی ناراضی هستند (بکت و بروکت، ۲۰۰۵؛ ۱۹). از این رو، دانشگاه‌ها می‌توانند با شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها برای بهبود وضعیت آموزشی تلاش نموده و در جهت نیل به موقعیت‌های برتر آموزشی گام بردارند (فورس، ربین و کارلسون، ۲۰۰۲، ۴۱).

تیلب (۲۰۱۳) معتقد است که عمده‌ترین موانع یادگیری و منشأ نگرش منفی دانشجویان نسبت به دروس حسابداری عبارتند از: کمبود دستیار آموزشی، کمبود نرم‌افزارهای رایانه‌ای، شلوغی خوابگاه‌ها، عدم تعامل بین دانشجویان و اساتید، شکاف بین مطالب تدریس شده و کاربردهای عملی، کتاب‌های درسی و آزمون‌های نامربوط و عدم تسلط به زبان انگلیسی. در همین راستا باید بر آموزش فناوری حسابداری رایانه، بهبود اثربخشی مدرسان حسابداری و کتاب‌های درسی، و ارائه دوره‌های حسابداری پیش‌دانشگاهی به عنوان راهبردهای بهبود نگرش دانشجویان تاکید شود. افزون بر این، دانشجویان حسابداری بر این باورند که برنامه‌های درسی موجود، دانشجویان را برای مهارت‌های آموزشی و پژوهشی و برآوردن نیازهای آینده صنعت آماده نمی‌کند (آبون و همکاران، ۲۰۲۱). برخی از پژوهشگران، کیفیت پایین نیروی کار جوان و بالا بودن نرخ بیکاری را به نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده مرتبط می‌دانند (همتی و همکاران، ۱۳۸۶).

ولیگامیچ (۲۰۰۹، ۷۳۷) این ایده را مطرح کرد که بین نیازهای بازار کار و انتظارات شغلی دانش‌آموختگان و کارفرمایان تطابق وجود ندارد و با افزایش سطح تحصیلات فرد، احتمال بیکاری بیشتر است. این وضعیت ناشی از میزان بالای ورود نیروی کار به بازار، گسترش رکود اقتصادی، عدم تولید اشتغال به دلیل کمبود بودجه و نبود برنامه‌ریزی سازمانی است. به علاوه وی معتقد است بسیاری از دانش‌آموختگان، اشتغال در بخش دولتی را ترجیح می‌دهند که این نیز عاملی در افزایش بیکاری این طبقه محسوب می‌شود.

پس از شناخت مشکلات متعدد دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد باید بر مولفه‌های موثر در تقلیل تقیصه‌ها پرداخته شود. بازرگان (۱۳۹۴، ۱۵) بیان می‌دارد که اگر دانشگاه‌ها می‌خواهند

در راستای ادای مطلوب مأموریت خود گام بردارند، باید اطمینان ذینفعان خود در رابطه با این که برنامه‌های درسی دانشگاهی از کیفیت مطلوبی برخوردارند، جلب کرده و سازوکارهای لازم جهت بهبود این برنامه‌ها را پدید آورند. بنابراین، نقش عمده نهادهای قانونگذار، مدیریت صحیح و کارآمد منابع در راستای بکارگیری فرصت‌ها و اجتناب از تهدیدها است. دانشجویان کارشناسی ارشد حسابداری با توجه به تقاضاهای حرفه و بازار کار حسابداری انتظاراتی از گذراندن این دوره دارند. آنان به منظور رسیدن به جایگاه و نقش واقعی حسابداری و نه صرفاً انجام وظایفی همچون دفترداری باید در زمینه‌های گوناگون تعلیم داده شوند. این موضوع به این دلیل است که کمبودهای مهارتی درک شده در زمینه‌های مهم، مانند حل مسئله، توانایی تحلیل‌های کاربردی، خلاقیت و ارتباطات تجاری شفاهی وجود دارد. اگرچه کارفرمایان احساس می‌کنند که دانش حسابداری و توانایی استفاده از اطلاعات حسابداری یک مهارت مهم است؛ اما انتظار دارند دانشجویان حسابداری، مهارت‌های زیادی از جمله توانایی برقراری ارتباط و کار در یک محیط گروهی را بیاموزند؛ مشکلات دنیای واقعی را حل کنند و با بکارگیری فناوری اطلاعات نقش پررنگ‌تری در حرفه داشته باشند (لی و بلاشزینسکی، ۱۹۹۹). افزون بر این، نقش اساتید در انتقال دانش به دانشجویان و بهبود مهارت‌های آنان انکارناپذیر است. در همین راستا، فیلیپس و پیو (۲۰۰۰؛ ۶۰) بیان کردند که تعاملات سازنده دانشجویان و اساتید سبب پیشبرد بهتر برنامه‌های پژوهشی می‌شود. همچنین بوب و کوپر (۲۰۱۸، ۲۱۱۵) نشان دادند که اساتید حسابداری می‌توانند رویکردهای یادگیری اتخاذ شده توسط دانشجویان حسابداری را از طریق تغییرات در محیط یادگیری، مانند بهبود روش‌های تدریس و ارزیابی تحت تاثیر قرار دهند.

در پاسخ به نیازهای بازار، دانشگاه‌ها چارچوب‌های مهارتی فراگیر را برای برنامه‌های خود ایجاد کرده‌اند. این چارچوب‌ها، فلسفه برنامه‌های آموزشی دانشگاه را القا می‌کنند و معمولاً برای توسعه طیف وسیعی از مهارت‌های فنی و عمومی تدوین شده‌اند. باری (۲۰۰۴؛ ۲۶۵) استدلال می‌کند که سیستم‌های آموزش عالی به منظور بهبود کیفیت آموزش و کاهش شکاف انتظارات کارفرمایان حرفه حسابداری باید به مهارت‌های عمومی و مهارت‌های فنی و عملی توجه گردد. مضافاً، عثمانی و همکاران (۲۰۱۷؛ ۳۲۰) بیان کردند که دانشگاه‌های خاورمیانه در حال همکاری نزدیک با صنعت، نهادهای حرفه‌ای و اعتباربخشی برای تعیین الزامات صنعت هستند تا بتوانند روش‌های آموزشی نوآورانه را در برنامه‌های درسی یادگیری خود معرفی کنند. چرا که دانشجو به دنبال سودای تغییر جهان و ارائه طرحی نو نیست.

حسابداری، مانند بسیاری از رشته‌های مختلف حرفه‌ای، فرصت‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد. تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در رشته حسابداری وسیله‌ای برای تخصص‌های مختلف است. زمینه‌های تخصص در حسابداری در دانشگاه‌های مختلف می‌تواند شامل



حسابداری مالی، مشاوره مدیریت، امور مالی، مالیات، حسابداری مدیریت و حسابرسی باشد. فرصت‌های زیادی برای دانشجویانی که تحصیلات تکمیلی را در هر یک از این زمینه‌ها به پایان می‌رسانند وجود دارد تا در سیستم دانشگاه به عنوان مدرس باقی بمانند یا وارد حسابداری حرفه‌ای شوند. فاتوکن و پائول اجو (۲۰۰۴؛ ۲۰) استدلال کردند که دانشجویان حسابداری پس از فارغ‌التحصیلی به دلیل برخورداری از موقعیت شغلی در بازار کار مالی، تمایلی به ادامه تحصیل در رشته حسابداری پس از فارغ‌التحصیلی ندارند. بر اساس مباحث مطروحه، هدف از تحقیق پیش رو واکاوی نگرش دانشجویان ارشد حسابداری نسبت به این دوره است. از این رو سوال پژوهش این است:

دانشجویان ارشد رشته حسابداری نسبت به این مقطع چه نگرشی دارند؟

### ۳- روش شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی است. از جهت دیگر، به علت ماهیت داده‌ها، از نوع کیفی است زیرا با داده‌های کیفی سروکار دارد. داده‌های پژوهش با ابزار مصاحبه گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل تم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سپس به منظور واکاوی نگرش دانشجویان ارشد نسبت به این مقطع مراحل کلی به شرح ذیل طی شده است: (۱) از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، مطالعات، پژوهش‌ها و کتب مربوط، ادبیات موضوعی موجود مرور شده تا ابعاد با اهمیت تاثیرگذار بر نگرش دانشجویان ارشد شناسایی شود. (۲) درگام بعدی به منظور شناخت فرایندهای مرتبط با هر یک از ابعاد، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای با دانشجویان کارشناسی ارشد صورت گرفت. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافتند که مطالب جدیدی توسط آنها ارائه نشده و اشباع نظری حاصل شود. به منظور انجام این پژوهش ۱۴ مصاحبه صورت گرفت. (۳) بعد از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، داده‌های کیفی، کدگذاری شده و با استفاده از روش تحلیل تم عوامل موثر بر نگرش دانشجویان ارشد شناسایی و استخراج شدند.

### روایی و پایایی

جهت اطمینان از روایی پژوهش، کتاب‌ها و مقالات متنوعی در زمینه روش طراحی و انجام مصاحبه مطالعه شد و بر اساس رهنمودهای عملی این نوشتارها و راهنمایی و مشاوره افراد خبره در این زمینه، برنامه‌ریزی پژوهش طراحی گردید. علاوه بر این، جهت افزایش روایی پژوهش محققین پس از پایان توضیحات مصاحبه‌شوندگان در طول مصاحبه، برداشت خود از صحبت‌های مصاحبه‌شونده را بیان می‌کردند تا با تایید مصاحبه‌شونده از صحت مطالب بیان شده اطمینان یابند. همچنین یافته‌های این پژوهش تا حد بسیار زیادی انعکاس‌دهنده واقعیت موجود در ادبیات است که نشان از روایی بالای این پژوهش دارد. مضافاً، به منظور پایایی

پژوهش کدگذاری مستقل جهت بررسی میزان توافق کدگذاران صورت گرفت. نتایج مبین این مطلب بود که ثبات کدگذاری‌ها در سطح بالایی قرار دارد.

### تحلیل تم

تحلیل مضمون یکی از روش‌های اساسی تحلیل در پژوهش کیفی است. این روش برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها (تم‌ها)ی موجود در داده‌ها (تعدادی مصاحبه یا متن) به کار می‌رود. به طور کلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متون است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰). در واقع روش تحلیل تم را می‌توان یک روش اساسی دانست که رویکردی مناسب و انعطاف‌پذیر برای تحلیل داده‌های کیفی در اختیار می‌گذارد (براون و کلارک، ۲۰۰۶؛ ۸۷). طبقات مفهومی با یکدیگر تم‌های فرعی را شکل داده و چند تم فرعی مشابه نیز، تم‌های اصلی را خلق می‌کنند. برای تعیین اینکه چه چیزی در پژوهش تم محسوب می‌شود، قضاوت محقق ضروری است (کرمی و تاجیک، ۱۳۹۴؛ ۱۱۳).

در تحقیق حاضر کدگذاری براساس حروف انگلیسی و اعداد به شرح زیر انجام شده است:

۱. I. به عنوان اختصار Interview برای مصاحبه‌های صورت گرفته با افراد
۲. هر واحد تحلیل (یعنی هر متن یا مصاحبه) از ۰۱ به بالا شماره‌گذاری شده است.
۳. در مورد هر واحد تحلیل (یعنی هر متن یا هر مصاحبه) کدهای موجود در آن واحد تحلیل، از ۰۱ شروع و به تعداد کد موجود در آن واحد تحلیل، یک واحد یک واحد در چارچوب اعداد طبیعی افزایش یافته است.

### جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش به بررسی نگرش دانشجویان ارشد رشته حسابداری نسبت به این مقطع از تحصیلات عالی می‌پردازد. از این رو جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان ارشد رشته حسابداری که حداقل در مرحله نگارش پایان نامه خود به سر می‌برند، تشکیل داده‌اند. برخی از مصاحبه‌شوندگان در حال گذر از فرایند انجام پایان نامه بوده و برخی دیگر نیز از پایان نامه خود دفاع کرده بودند. هدف از این نوع انتخاب، آشنایی حداقلی دانشجویان با دروس این مقطع و همچنین تجربه انجام پروژه اجباری (پایان نامه) بوده تا دید گسترده‌تری نسبت به مساله پژوهش حاضر، داشته باشند. در پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش، برای مصاحبه از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای استفاده شده است. به منظور غنای پژوهش و تنوع مصاحبه‌شوندگان، دانشجویان دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی، قم، کرمان و کردستان مورد مصاحبه قرار گرفتند.

در این روش مصاحبه‌کننده به پیشنهاد مصاحبه شوندگان، اشخاص صاحب‌نظر دیگری را یافته و انتخاب کند (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲). در مرحله اول این روش، محقق به تشخیص خود چندین صاحب‌نظر را انتخاب نموده و با آنان به مصاحبه پرداخت. در مرحله بعدی محقق سایر اعضای مصاحبه شونده (۱۰ نفر بعدی) را براساس روش گلوله‌برفی انتخاب نمود. در روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی مصاحبه‌شوندگان به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که با یکدیگر پیوند داشته و محقق را به سایر افراد در همان جامعه مرتبط می‌کند (حریری، ۱۳۸۵). نمونه‌گیری در رویکرد کیفی معمولاً تا جایی ادامه می‌یابد که محقق به اشباع نظری برسد، یعنی نقطه‌ای که مطالب بیشتر، منجر به تغییر نگرش محقق در مناسبات میان تم‌ها نشود (افشار، ۱۳۹۲). این پژوهش از طریق انجام ۱۴ مصاحبه با دانشجویان، به اشباع نظری رسیده است. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مصاحبه‌شوندگان به شرح جدول ذیل است:

جدول ۱. یافته‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	فراوانی	درصد
مرد	۸	۵۷
زن	۶	۴۳
کمتر از ۲۵	۵	۳۵
۲۵-۳۵ سال	۷	۵۰
بیشتر از ۳۵ سال	۲	۱۵
دانشجو ارشد	۵	۳۵
فارغ‌تحصیل کارشناسی ارشد	۹	۶۵

#### ۴- یافته‌ها

##### تجزیه و تحلیل بر اساس روش تحلیل تم

برای یافتن تم‌ها، داده‌های کیفی حاصل از مرور متن مصاحبه‌ها، دسته‌بندی و کدگذاری شدند. سپس تم‌های حاصل از داده‌ها تعیین و نام‌گذاری شدند. همانطور که در جدول یک مشاهده می‌شود، دسته‌بندی کدها در نهایت به ۴ تم اصلی منجر شده است. این ۴ تم خود در مجموع شامل ۱۳ تم فرعی هستند. در ادامه این پژوهش تم‌های اصلی معرفی و در قالب تم‌های فرعی تجزیه و تحلیل خواهند شد. درخصوص هر یک از این تم‌ها، نمونه‌هایی از داده‌های کیفی استفاده شده و نظرات و تفاسیر پژوهشگر (که جزئی از پژوهش کیفی هستند) به اطلاع خواننده خواهد رسید.

جدول ۲. تحلیل تم همراه با کدهای هر تم

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی	کدها	
بسترهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی	-	I0220, I0224, I0321, I0143,	
		I0145, I0228, I0327, I0438,	
		I0146, I0152, I0632, I0637,	
		I0718, I0817, I0643, I0644,	
		I0645, I0507, I0508, I0522,	
		I0526, I0904, I0913, I0922,	
		I1006, I1012, I1020, I1021,	
		I1025, I1028, I1104, I1119,	
		I1121, I1208, I1219, I1420,	
		I1423, I1321,	
		I0201, I0202, I0304, I0401,	
		بهبود موقعیت شغلی	امتیازات مورد انتظار از ادامه تحصیل

I0402, I0106, I0203, I0405, I0406, I0131, I0313, I0220, I0428, I0138, I0225, I0323	
I0433, I0601, I0701, I0702, I0804, I0817, I0635, I0640, I0719, I0822, I0820, I0503, I0521, I0530, I0901, I0902, I1003, I1202, I1213, I1215, I1403, I1417, I1418, I1305, I1324	
I0104, I0105, I0137, I0801, I0821, I0825, I1005, I1120	امتیازات سربازی
I0319, I0427, I0602, I0603, I0819, I0519, I1122, I1216, I1301	ارتقای مدرک
I0101, I0102, I0301, I0303, I0403, I0404, I0305, I0408, I0425, I0127, I0312, I0315 I0316, I0317, I0322, I0142 I0226, I0325, I0434, I0232 I0233, I0234, I0328, I0442	
I0604, I0803, I0713, I0816, I0634, I0641, I0824, I0720	ارتقای مهارت های فردی و علمی
I0501, I0502, I0514, I0517, I0520, I0525, I0923, I1001 I1002, I1101, I1117, I1118, I1201, I1212, I1401, I1402, I1304, I1306, I1317, I1318, I1319, I1329, I1330, I1331	
I0103, I0302, I0314, I0318, I0141, I0636, I0903, I1004, I1214, I1302, I1303, I1320 I0417, I0218, I0149, I0150 I0623, I0621, I0639, I0715 I1008, I1323	موقعیت اجتماعی تقیصه های دانشجویان
I0206, I0208, I0209, I0410, I0411, I0414, I0118, I0120 I0217, I0129, I0219, I0151 I0230, I0607, I0608, I0610 I0805, I0806, I0619, I0620 I0706, I0638, I0716, I0714 I0717, I0818, I0828, I0829 I0830, I0827, I0504, I0505 I0506, I0914, I1007, I1009 I1102, I1203, I1209, I1217 I1405, I1408, I1409, I1416 I1422, I1424, I1316, I1322 I0210, I0412, I0415, I0416, I0215, I0311, I0421, I0132 I0136, I0431, I0432, I0435 I0622, I0628, I0642, I0920 I0921, I0924, I0925, I1013	معایب مدرسان
I0126, I0127, I0129, I1103, I1110, I1111, I1112, I1113, I1114, I1125, I1126, I1130, I1210, I1218, I1421	فاصله انتظارات
I0117, I0130, I0320, I0326 I0605, I0606, I0705, I0704, I0721, I1129, I1419	سیاست های نامناسب نهادهای مافوق
I0107, I0108, I0109, I0308, I0440, I0441, I0231, I0609 I0616, I0615, I0623, I0813, I0633, I0823, I0518, I0531, I0929, I1032, I1221, I1404, I1410, I1315	عدم تطابق آموزش با الزامات حرفه ای
I0111, I0112, I0113, I0204, I0205, I0207, I0307, I0409, I0413, I0119, I0212, I0213 I0309, I0310, I0419, I0124 I0216, I0423, I0426, I0134 I0135, I0429, I0430, I0140 I0144, I0437, I0439, I0613	مشخصه های دانشجویان
I0618, I0617, I0707, I0708, I0709, I0810, I0811, I0812 I0807, I0624, I0625, I0626, I0629, I0630, I0631, I0710 I0510, I0511, I0512, I0523 I0524, I0907, I0928, I0111	مهارت های مدرسان
I1014, I1015, I1018, I1022, I1023, I1031, I1115, I1205, I1211, I1220, I1406, I1407,	راهکارهای برگزاری بهینه دوره ارشد

I1411, I1308, I1309, I1310, I1325, I1327	
I0110, I0114, I0211, I0306, I0407, I0115, I0116, I0214, I0418, I0420, I0121, I0122 I0123, I0125, I0126, I0422 I0128, I0133, I0221, I0222 I0223, I0139, I0324, I0227 I0436, I0147, I0148, I0229 I0703, I0611, I0612, I0808 I0809, I0623, I0627, I0711 I0712, I0814, I0831, I0646 I0509, I0513, I0515, I0516 I0527, I0528, I0529, I0905 I0906, I0908, I0909, I0910 I0911, I0912, I0915, I0916 I0917, I0918, I0919, I0926	اصلاح مصوبات نهادهای مافوق
I0927, I1010, I0116, I1017, I0119, I1024, I1030, I1105, I1106, I1107, I1108, I1109, I1116, I1123, I1124, I1127, I1128, I1204, I1206, I1207 I1412, I1413, I1414, I1415, I1307, I1311, I1312, I1313, I1314, I1326, I1328	

## تم اصلی اول

بسترهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی: در این تم به کلیات و فضای حاکم بر جامعه اشاره می‌شود که ممکن است نگرش انتقادی به شرایط فعلی و شرایط آتی جامعه بر تفکرات دانشجویان ارشد اثرگذار باشد. به عبارتی، کاهش قابلیت جامعه برای کاربرد اندوخته‌های علمی در جهت حل مسائل و مشکلات، تنزل توسعه اقتصادی و کاهش بار تکفل دولت برای ایجاد اشتغال به نوعی می‌تواند موجبات تغییر نگرش از اهداف اساسی که همان افزایش معلومات است را فراهم کند. در واقع فشار اقتصادی، عوامل سیاسی، تحریم‌ها و نرخ تورم بالا در تغییر نگرش دانشجویان می‌تواند نقش مهمی را بازی کند. چرا که بسترهای نامناسب و عدم اطمینان محیطی باعث ایجاد انتظاراتی از قبیل حمایت مالی شده است. لذا، در صورت عدم کمک‌های مالی، دانشجویان به جستجوی ممر درآمد و فعالیت حرفه‌ای برای برطرف کردن نیازهایشان می‌پردازند. از منظر دیگر، فضای فرهنگی به این موضوع اشاره دارد که عقاید جامعه بر تفکرات اقشار مختلف دانشجویان اثرات انکارناپذیری دارد. به عبارت دیگر، فضای مدرک‌گرایی، تمرکز بر مدرک‌گرایی و سیستم کاری مدرک‌گرا باعث می‌شود که مدرک از نظر اجتماع به عنوان امتیازی مثبت تلقی شود. از این رو، افراد و دانشجویان به جای افزایش سطح معلومات و آگاهی خود درصدد کسب مدرک بالاتر هستند. همچنین در بستر اقتصادی و اجتماعی، جو حاکم به سمت مهاجرت به کشورهای جهان اول سوق پیدا کرده است. برای نمونه به چند گفته مصاحبه‌شونده زیر دقت فرمایید:

«دانشجویان برای اینکه بتوانند بر درس تمرکز کنند نیازمند حمایت مالی می‌باشند. جنبه مالی در این اوضاع اقتصادی خیلی مهم است»

«درواقع شرایط دانشجویان ارشد متأثر از شرایط جامعه است و انتظار می‌رود با توجه به این شرایط، آینده روشنی در انتظار افراد نباشد و غالباً افراد تحصیل‌کرده و نخبه در فکر مهاجرت

از کشور بوده و افرادی که باقی میمانند به احتمال بالا سزاوار موقعیت‌های کاری و اجتماعی خود نیستند و وضعیت به نظر رو به افول است.»

«یکی از عوامل انگیزشی هم این است که جو مدرک‌گرایی در جامعه حاکم بوده و شخص تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرد.»

## تم اصلی دوم

امتیازات مورد انتظار از ادامه تحصیل: تم اصلی دوم که برگرفته از چندین تم فرعی است، بیانگر اهداف، امتیازات و انگیزه‌های موردانتظار از ورود به دوره کارشناسی ارشد حسابداری از منظر دانشجویان این مقطع است. این تم اصلی به ۵ تم فرعی شامل بهبود موقعیت شغلی، بهبود موقعیت اجتماعی، ارتقای مدرک، ارتقای مهارت‌های علمی و فردی و امتیازات سربازی دسته‌بندی شده است.

الف) بهبود موقعیت شغلی: مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سوال که اهدافشان برای ورود به ارشد چه چیزی بوده است، در وهله اول به بهبود موقعیت شغلی اشاره نمودند. آنها به این موضوع اشاره نمودند که با گذراندن این مقطع دید وسیع‌تری پیدا کرده و نگاه تحلیلی‌شان نسبت به حوزه‌های متفاوت حسابداری بهتر می‌شود. در نتیجه این موضوع می‌تواند منجر به دستاوردهای مناسب شغلی خواهد شد. مضافاً آنها در پاسخ به این سوال بیان کردند که ورود به این دوره منجر به تغییراتی در موقعیت شغلی‌شان خواهد نمود که مدرک کارشناسی به تنهایی منجر به این تغییرات نمی‌شود. برای نمونه به متن دو مصاحبه زیر توجه فرمایید:

«یکی از اهداف من برای ورود به ارشد، ارتقای موقعیت شغلی بود تا بتوانم شغل مناسبی پیدا کنم (تفکر من این بود که با داشتن مدرک ارشد نسبت به کارشناسی شغل مناسب‌تری پیدا می‌کنم).»

«هدف بنده پیشرفت شغلی بوده و با امید پیدا کردن کار بهتر ادامه تحصیل دادم.»

«انتظارم این است که بر اساس مدرک ارشد جذب سازمانی دولتی شوم.»

«هدفم این است که وارد حرفه حسابرسی شوم و بتوانم جایگاه شغلی مناسبی در موسسات حسابرسی کسب کنم. کسی که به دنبال تحصیلات تکمیلی است باید در حرفه یک خروجی داشته باشد مثلاً من با گذراندن دوره می‌توانم حسابدار رسمی شوم.»

ب) بهبود موقعیت اجتماعی: یکی دیگر از اهداف دانشجویان برای ورود به این دوره بهبود جایگاه اجتماعی آنان در جامعه بوده است. درحقیقت آنان به این موضوع باور داشتند که ورود به مقطع ارشد مخصوصاً در یک دانشگاه معتبر، علاوه بر طی کردن مدارج بالاتر، منجر به ارتقای شرایط و جایگاه اجتماعی آنان خواهد شد. یکی از دانشجویان بر این موضوع تأکید داشت که ورود به دوره ارشد همراه با کسب رتبه خوب در کنکور، علاوه بر بهبود جایگاه

اجتماعی، منتج به کسب شهرت نیز برای او خواهد شد. به عنوان نمونه به گفته مصاحبه‌شونده‌های زیر توجه فرمایید:

«ورود به مقطع ارشد همراه با رتبه بالاتر برای کسب موقعیت اجتماعی مدنظر بنده بوده است و این موضوع به همراه خود شهرت نیز در پی دارد.»

«یکی از انگیزه‌های بنده برای ورود به این دوره بهبود رتبه تحصیلی و شخصیت اجتماعی (در صورت تحصیل در یک دانشگاه تراز اول و معتبر) بوده است.»

«هر قدر تحصیلات شخص بالاتر رود از نگاه جامعه در سطح بالاتری قرار دارد.»

ج) امتیازات سربازی: در این تم فرعی، مصاحبه‌شوندگان به مواردی اعم از تعویق افتادن دوره سربازی، بهبود شرایط سربازی و اخذ پروژه‌های متنوعی که می‌تواند جایگزین دوره سربازی شود اشاره نمودند. آنان بر این موضوع تاکید کردند که اهداف بسیاری از دانشجویان مرد برای ورود به این دوره تنها کسب این قبیل امتیازات بوده و هدف خاص دیگری در نظر ندارند. موارد زیر نمونه‌هایی از این نقطه نظرات است:

«این دوره برای آقایان می‌تواند امتیازی برای سربازی داشته باشد. چرا که تعویق سربازی مطرح می‌شود و با مدرک ارشد می‌توانم به آموزشی سربازی رفته و حتی با مدرک ارشد و با نخبگان می‌توان از مزیت برخوردار شد.»

"می‌دانم که این دوره در بحث سربازی بنده بسیار اثرگذار بوده و منجر به این می‌شود که پروژه دریافت کنم و تنها به دوره آموزشی بروم."

"به تعویق انداختن سربازی یکی از اهداف مهم بنده برای ورود به این دوره بوده است."

د) ارتقای مهارت‌های علمی و فردی: بخش دیگر از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در مواجهه با این پرسش که انگیزه و اهدافشان برای ورود به مقطع ارشد چیست؟، مرتبط با ارتقای مهارت‌های علمی و فردی بوده است. درحقیقت آنان مقطع ارشد را به عنوان دوره‌ای همراه با کسب دانش و مهارت‌آموزی‌های متنوع تلقی نموده و از این دوره به عنوان دوره‌ای که منجر به ارتقای دانش علمی و مهارت‌هایی نظیر افزایش اعتماد به نفس شده است، یاد کردند. همچنین بسیاری از آنها ارشد را پلی برای ورود به دکتری دانسته‌اند تا در نهایت بتوانند به اهداف علمی خود دست یابند. چند نمونه مصاحبه در ارتباط با این نگرش به شرح زیر است:

«من خودم به شخصه به دوره ارشد بعنوان پلی برای راهیابی مقاطع بالاتر (دکتری)، می‌نگریستم و اینکه به لحاظ علمی رشد کنم.»

«هدف اصلی من از ورود به دوره ارشد، علاقه به ادامه تحصیل و طی نمودن مدارج بالاتر علمی بود»

«این دوره باعث افزایش اعتماد به نفس بنده شده و از لحاظ علمی هم مقداری بهتر شده‌ام اما آنچه مورد انتظار بنده بود برآورده نشد.»

ه) ارتقای مدرک: ارتقای مدرک اشاره به این دارد که افراد تنها به دلیل کسب مدارج بالاتر و عقب نماندن از سایر افراد وارد این دوره می‌شوند. برخی از دانشجویان به این موضوع اشاره نمودند که فضای مدرک‌گرایی در جامعه غالب بوده و صرفاً به این دلیل که از جامعه عقب نمانند در دوره ارشد تحصیل می‌کنند. به عنوان نمونه به چند مورد زیر توجه فرمایید:

«از دسته عوامل انگیزشی ورود به این دوره ارتقای مدرک است و باعث می‌شود فردی تصمیم به ورود به این مقطع گرفته و بعد از ورود هم ادامه دهد و فارغ التحصیل شود زیرا جو جامعه هم مدرک‌گرایی است.»

«موضوع مدرک‌گرایی باعث می‌شود بسیاری از افراد به علت افزایش دانش و مهارت وارد این دوره نشده و کیفیت این دوره هم برایشان مهم نباشد و صرفاً با هدف گرفتن مدرک وارد این دوره شوند.»

### تم اصلی سوم

فاصله انتظارات: این تم نیز برگرفته شده از چندین تم فرعی بوده و بیانگر فاصله انتظارات دانشجویان میان آنچه که هست و آنچه که انتظار دارند، می‌باشد. دانشجویان بعد از آن که به موارد متعددی در خصوص اهداف، انگیزه‌ها و انتظاراتشان از ورود به این دوره اشاره کردند، در رابطه با این که این دوره تا چه میزان منجر به برآورده شدن اهدافشان شده است نیز پاسخ دادند. تقریباً همگی بر این موضوع واقف بودند که این دوره طبق انتظاراتشان پیش نرفته و حتی منجر به اتلاف وقت آنان شده است. دلایل متعددی که منجر به این نوع نگرش دانشجویان شده است تحت تم‌های فرعی نظیر عدم تطابق آموزش با الزامات حرفه‌ای، معایب مدرسان، سیاست‌های نادرست نهادهای مافوق و نقیصه‌های دانشجویان دسته‌بندی شده‌اند.

الف) عدم تطابق آموزش با الزامات حرفه‌ای: تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان به این مساله اشاره کردند که در دوره ارشد سرفصل‌های درسی و مطالب بیان شده از سوی اساتید ارتباط بسیار ضعیفی با الزامات و قواعد حرفه‌ای دارد. آنان این موضوع را به عنوان یکی از ضعف‌های جدی مقطع ارشد حسابداری مطرح نمودند. همچنین برخی از آنها همین مساله را به عنوان یکی از دلایل عدم پیشرفت شغلی دانسته‌اند. در واقع مصاحبه‌شوندگان در رابطه با اهداف ورود به ارشد، نسبت به بهبود موقعیت شغلی اتفاق نظر داشتند اما آن را مرتبط با تفکرات داوطلبان قبل از ورود به این دوره دانستند. همچنین اعتقاد به این داشتند که به علت عدم تطابق مطالب آموزش داده شده با واقعیت‌های حرفه‌ای و یا عدم برگزاری کلاس‌های مرتبط با مباحث روز حرفه، دستاوردهای شغلی محسوسی نداشته‌اند. کدهای مربوط به تم در میان دانشجویان، از فراوانی بالایی برخوردار بود. چند مورد از یافته‌های مصاحبه‌ها به عنوان نمونه در ذیل آمده است:



«مقطع ارشد دانش بسیار بالایی به ما اضافه نمی‌کند و صرفاً تحقیق و بحث‌های تئوریک است که این بحث‌ها در رابطه با کار و حرفه خیلی کاربردی نیستند.»

«از نظر پژوهشی شاید تغییر کرده باشم اما نسبت به کار حرفه‌ای خیر. دوره کارشناسی برای کار حرفه‌ای بسیار مناسب‌تر است تا دوره کارشناسی ارشد.»

«برای بنده این طور بود که اگر همان چند ساله که برای کنکور و درس خواندم و در مقطع ارشد وقت گذاشتم، در دوره‌های کاربردی و ... شرکت می‌کردم یا در شرکتی کار می‌کردم سودمندی بیشتری داشت چون ارشد در زمینه کاری کمک خاصی نکرده و به طور تجربی فایده‌مندی ندارد و لزوماً مباحث تئوریک آموزش می‌دهند و این موارد با هدف من مغایرت داشت و حتی خود مقطع ارشد هم تا حد خوبی به پیشرفت شغلی بنده کمکی نکرد زیرا مباحث کاربردی را یاد نگرفتم.»

ب) معایب مدرسان: از منظر دانشجویان، تم فرعی دوم که یکی دیگر از دلایل فاصله انتظارات دوره ارشد بود، معایب مدرسان است. بسیاری از دانشجویان بر این موضوع تأکید داشتند که منابع، مراجع و کتب تدریس شده توسط اساتید، قدیمی بوده و مربوط به حداقل ۱۰ الی ۲۰ سال گذشته است. از نگاه آنان به جهت این که غالب اساتید و مدرسان این رشته در حرفه شاغل می‌باشند، زمان و انرژی کافی برای همراهی دانشجو نداشته و دانشجویان برای کمک و راهنمایی انجام برخی تکالیف خود نظیر پایان نامه با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌باشند. همچنین مسائلی نظیر عدم تعاملات مناسب و ارتباطات سازنده با اساتید از دیگر معایب است. برخی از آنان خاطر نشان کردند که مشکلاتی اعم از برخوردهای نامناسب و عدم انگیزه‌دهی به دانشجو، منجر به سرخوردگی‌ها و ناامیدی دانشجویان نسبت به این دوره می‌شود. به عنوان نمونه به یافته‌های زیر در مصاحبه‌ها می‌توان اشاره کرد:

«نوع رفتار و برخورد اساتید باعث می‌شود. دانشجو ناامید شده و گاه حتی انصراف دهد و ناامید شود.»

«عدم احترام متقابل از سوی اساتید و برخوردهای نامناسب بعضاً باعث سرخوردگی دانشجویان شده و حتی ممکن است منجر به انصراف از تحصیل آنان شود.»

«اساتید بهتر است با دانشجویان تعامل داشته و در پژوهش‌ها مخصوصاً در پایان نامه‌ها به دانشجو کمک کنند. بهتر است تأکید کمتری بر آموزش مطالب منسوخ و قدیمی شود.»

«یکی از نقاط ضعف این دوره، آموزش مطالب قدیمی و منسوخ شده و روش اشتباه تدریس توسط اساتید می‌باشد. اساتید شاغل بوده و تایم و انرژی کافی برای دانشجو ندارند.»

ج) سیاست‌های نادرست نهادهای مافوق: مساله دیگری که مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بود، سرفصل‌های نامناسب و دروس از طرف نهادهای مافوق نظیر دانشگاه‌ها و وزارت علوم بود. در این تم همچنین به مسائلی اعم از قوانین نامناسب (نظیر عدم دسترسی فارغ‌التحصیلان

به کتابخانه‌ها)، عدم هدف‌گذاری مناسب دانشگاه و وزارت علوم، ارتباطات ضعیف و نامناسب دانشگاه و کارمندان با دانشجویان، عدم جذب اساتید شایسته و... اشاره شد. در ادامه، به بریده‌ای از چند مصاحبه در این زمینه اشاره شده است:

«از عوامل بازدارنده می‌توانم به قوانین و مقررات نامناسب و برخورد نامناسب کارمندان و اساتید با دانشجویان را نام ببرم.»

«قوانین نامناسب دانشگاه مثل سد راهی برای دانشجو است. فشار قوانین و ارائه پروپوزال در بازه مشخص باعث می‌شود که دانشجویان به برون سپاری تکالیف روی بیاورند.»

«مواردی همچون سیستم آموزشی نامناسب، امکانات ناکافی و ... باعث شده است دانشجویان ارشدی که فارغ التحصیل می‌شوند همچنان نه برای ورود به بازار کار آمادگی داشته باشند و نه برای انجام کارهای تحقیقاتی اصیل.»

«دسترسی ضعیف و ناقص نسبت به داده‌ها برای کارهای تحقیقاتی و نبود امکانات تحصیلی و اقتصادی مناسب از مهمترین ضعف‌های موجود است.»

د) تقیصه‌های دانشجویان: در این تم مصاحبه‌شوندگان مواردی را طرح کردند که مربوط به شخص دانشجو بوده و منجر به این می‌شود که این دوره به اهداف بهینه خود دست پیدا نکند. آنان در این تم به نقایص خود دانشجویان اعم از هدف‌گذاری نامناسب (و یا بی‌هدفی)، عدم فعالیت کافی، عدم مطالعه کافی، پیگیری نبودن در تکالیف و کارها و مواردی از این قبیل اشاره نمودند. در ادامه، به بریده‌ای از یک مصاحبه در این زمینه اشاره شده است:

«فعال نبودن خود دانشجویان نیز یکی از مولفه‌های اصلی در عدم برگزاری بهینه این دوره است که اگر این طور نبود تا مشکلات این دوره تا حدی رفع می‌شد، از این رو دانشجویان باید پیگیری بوده و فعالیت‌های درسی‌شان بیشتر شود.»

## تم اصلی چهارم

راهکارهای برگزاری بهینه دوره ارشد: در این تم به شناسایی مولفه‌های موثر در برگزاری بهینه دوره ارشد از منظر دانشجویان پرداخته شده است. این تم برگرفته شده از پاسخ به این سوال است که اگر نقاط ضعف این دوره شامل موارد متعددی است، چه راه‌حلی پیشنهاد می‌دهید و یا دانشگاه ایده‌آل از نگاه شما چه ویژگی‌هایی دارد. درحقیقت این تم از طریق تفسیر دسته‌بندی‌های مفهومی کدهای متعددی استخراج شده است. این تم شامل ۳ تم فرعی به عناوین مشخصه‌های دانشجویان، مهارت‌های مدرسان و اصلاح مصوبات نهادهای مافوق است. الف) مشخصه‌های دانشجویان: این تم اشاره به این موضوع دارد که در ابتدا برای ارتقای مقطع کارشناسی ارشد و همچنین رفع مشکلات موجود، دانشجویان باید نگاه خود را نسبت به این دوره اصلاح نموده و هدف‌گذاری‌های مناسبی برای ورود به این دوره داشته باشند. این دوره به منظور مطالعه و بررسی عمیق مباحث تئوریک و حرفه‌ای بوده که طبعاً تلاش‌های

بی‌وقفه و مطالعات مستمر شخصی دانشجویان را نیز طلب می‌کند. در ادامه، به بریده‌ای از یک مصاحبه در این زمینه اشاره شده است:

«این دوره به جهت اینکه جنبه تحقیقاتی دارد، نیاز به تلاش شخصی دانشجو داشته و بسیاری از موارد نیز بستگی به خود دانشجو دارد.»

ب) مهارت‌های مدرسان: در رابطه با این بخش می‌توان اذعان کرد که تاثیرات مدرسان و اساتید رشته حسابداری بر نحوه برگزاری این دوره غیرقابل اغماض بوده و غالب مصاحبه‌شوندگان، مدرسان را به عنوان عاملی بسیار مهم در رابطه با مقطع ارشد می‌پنداشتند. آنان به مواردی اعم از ارتقای دانش علمی و به روز اساتید، بهبود ارتباطات و تعاملات مناسب با دانشجویان، بکارگیری منابع به روز درسی در کلاس‌ها، آموزش مباحث کاربردی و مرتبط با حرفه و... اشاره نمودند. برخی از مطالبی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بیان داشتند:

«دانش اکادمیک اساتید باید به روز شده و متناسب با نیاز بازار کار و شرایط جامعه باشد.»  
«ارتباط موثر و نزدیک اساتید با دانشجویان و ایجاد انگیزه در دانشجویان لازم است تا آنها بتوانند مصمم‌تر این مقطع را سپری کنند.»

«در واقع به نظر بنده کمبود اساتیدی که بتوانند در انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی‌تر دانشجو را هدایت کنند نکته حائز اهمیتی است.»

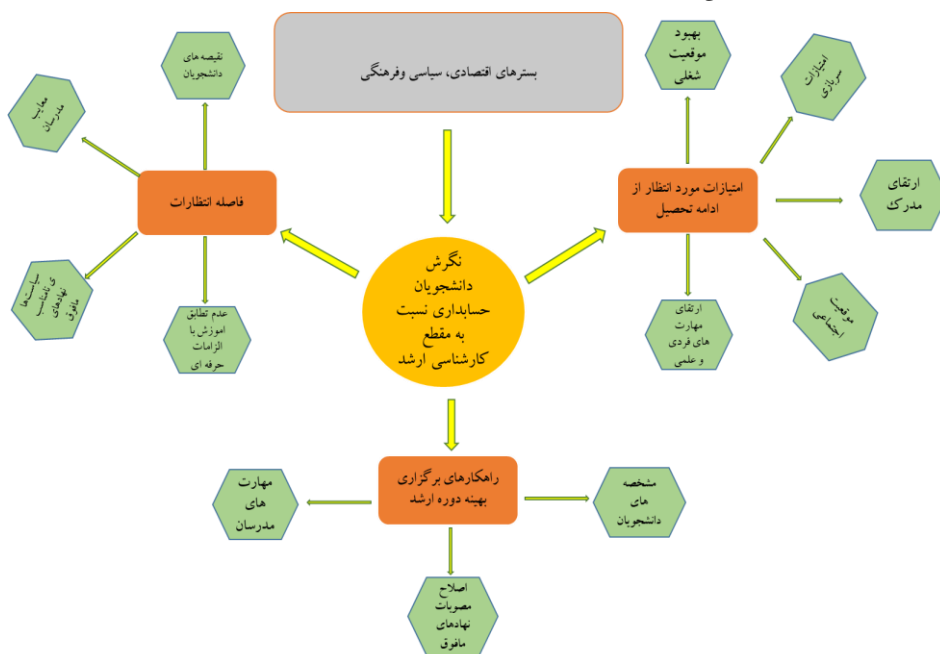
ج) اصلاح مصوبات نهادهای مافوق: در این بخش مطرح می‌شود نظرات مصاحبه‌شوندگان در رابطه با نقش دانشگاه و فاصله وزارت علوم برای بهبود وضع فعلی مقطع کارشناسی ارشد پرداخته شد. بر اساس نظر آنان، این نهادها به علت قانون‌گذاری و تدوین آیین‌نامه‌ها و جذب اساتید و دانشجویان نقش بسیار پررنگی در رابطه با نحوه برگزاری دوره ارشد ایفا می‌کنند. آنان بر این عقیده بودند که باید دانشجویان و مخصوصاً اساتید شایسته و لایقی جذب دانشگاه‌ها شوند. همچنین تجدید نظر در سرفصل‌های درسی متناسب با مطالب روز دنیا، حمایت‌های مالی و کاری از دانشجویان رشته حسابداری از دیگر پیشنهادات آنان بود. برخی از نظرات به شرح زیر می‌باشد:

«به دلیل اینکه رشته ما با عمل‌گره خورده است. بهتر است در دانشگاه فضایی باشد که دانشجویان زمانی حتی محدود هم با عمل‌درگیر شده و آشنا شوند.»

«حداقل دانشجویان تاپ دانشگاه‌ها باید توسط دانشگاه و نهادها حمایت شوند. یعنی اینکه برای تمرکز بر درس نیاز به حمایت مالی است. جنبه مالی در این اوضاع اقتصادی خیلی مهم است.»

«به نظر من دانشگاه ایده‌آل دانشگاهی است که بتواند بستر مناسبی برای دانشجویان ارشد فراهم آورد، این بسترها می‌تواند شامل جذب اساتید مجرب، امکان برقراری رابطه دانشگاه با حرفه و صنعت، آمادگی مناسب دانشجویان برای کارهای پژوهشی و فراهم کردن امکان

آموزش زبان انگلیسی برای دانشجویان است». نمودار شماره ۱ نمای کلی از چارچوب پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش

## ۵- نتیجه‌گیری و بحث

تحصیلات دانشگاهی شامل فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی است. حسابداری نیاز به تغییر دارد، یعنی باید با نیازهای تعریف شده دانشجویان و کارفرمایان و همچنین نهادهای حرفه‌ای مرتبط باشد. یافته‌های حاصله از کدگذاری مصاحبه‌ها، چهار تم اصلی شامل بسترهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، امتیازات مورد انتظار از ادامه تحصیل، فاصله انتظارات و راهکارهای برگزاری بهینه دوره ارشد از نگاه دانشجویان را نشان می‌دهد. تم اصلی اول مرتبط با بسترهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. همچنین امتیازات مورد انتظار از ادامه تحصیل به پنج تم فرعی شامل بهبود موقعیت شغلی، بهبود موقعیت اجتماعی، ارتقای مدرک، ارتقای مهارت‌های علمی و فردی و امتیازات سربازی دسته‌بندی شده است. فاصله انتظارات نیز از تم‌های فرعی نظیر عدم تطابق آموزش با الزامات حرفه‌ای، معایب مدرسان، سیاست‌های نادرست نهادهای مافوق و تقصیه‌های دانشجویان تشکیل شده است. در نهایت تم اصلی چهارم ماحصل سه تم فرعی به عناوین مشخصه‌های دانشجویان، مهارت‌های مدرسان و اصلاح مصوبات نهادهای مافوق می‌باشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منجر به تغییرنگرش دانشجویان ارشد حسابداری شده است. تغییر در نگرش، منجر به تغییر در انتظارات و اهداف دانشجویان رشته حسابداری شده است. از طرف دیگر نگرش دانشجویان نیز خود بر فضای فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه دامن می‌زند. با این حال از دیدگاه دانشجویان رشته حسابداری، دلایلی وجود داشته که منجر به عدم برآورده شدن اهداف و انتظارات دوره برای آنان شده است. علاوه بر عدم ارتباط بین آموزش حسابداری دانشگاهی و نیازهای کارفرمایان، معایب اساتید، سیاست‌های نادرست نهادهای مافوق مهمترین دلایل شکایات فارغ التحصیلان حسابداری است. در حقیقت، کارفرمایان نیروی کار اغلب بر این عقیده هستند که برنامه‌های درسی حسابداری به ندرت همگام با واقعیت‌های بازار هستند. یافته به دست آمده با پژوهش یوسری و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد. از سوی دیگر ایرادات وارده بر اساتید نظیر عدم صرف زمان و انرژی کافی برای دانشجویان، تعاملات نامناسب، تدریس منابع قدیمی، شاغل بودن در حرفه و... از دیگر مشکلات دوره از دیدگاه دانشجویان است. نتایج به دست آمده در زمینه نحوه تدریس اساتید با نتایج عبدالحافظ (۲۰۰۷)، فیلیپس و پیو (۲۰۰۰) و بوب و کوپر (۲۰۱۸) همخوانی دارد. همچنین از منظر اغلب دانشجویان ارشد حسابداری علیرغم اهمیت کار پژوهشی در دوره کارشناسی ارشد، تعداد واحدهای درسی اندکی به این حوزه اختصاص یافته است. توجه ناچیز این دوره به پژوهش و آماده نکردن دانشجویان ارشد حسابداری برای پژوهش سبب ایجاد مشکلات در انجام کار پایان‌نامه می‌شود. لذا باید بستر اهمیت بخشی به پژوهش در کنار آموزش در سیستم آموزشی کشور فراهم شود. این مساله به نوع نگاه اساتید و متولیان آموزش بستگی دارد.

با این حال، برای بهبود شرایط، بازنگری در برنامه درسی و ایجاد سیلابس‌های کاربردی یکی از نیازهای مهم این دوره می‌باشد. همچنین، با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که گنجانیدن آموزش مبتنی بر تحقیق و یادگیری مبتنی بر مشکل در برنامه درسی منجر به بهبود ارتباطات و ارزیابی تأملی و همچنین مهارت‌های تحلیلی و تفکر انتقادی در فارغ‌التحصیلان حسابداری می‌شود. نتایج حاصله با پژوهش‌های باری (۲۰۰۴)، عثمانی و همکاران (۲۰۱۷) و کوتلو و ازترک (۲۰۱۸) مطابقت دارد. لذا باید کمیسیونی برای تغییر جهت ساختار و محتوای آموزش حسابداری و تشکیل کارگاه‌های کاربردی برای ارتقای توانمندی‌های دانشجویان ایجاد شود. به‌روزرسانی در برنامه‌های درسی و آموزش متناسب با مسائل روز سبب ایجاد روزهایی برای پیشرفت و خلاقیت می‌شود.

حوزه دیگری که در ادبیات آموزش حسابداری پوشش داده شده است، نیاز به روش تدریس مؤثر برای تزریق مهارت‌های کاربردی است. مدرسان حسابداری باید به طور مستمر آنچه را که به دانشجویان آموزش می‌دهند و اینکه چگونه تدریس به زندگی حرفه‌ای پس از دانشگاه

تبدیل می‌شود، ارزیابی کنند. این موضوع در راستای یافته پژوهشگرانی همچون لی و بلاشزینسکی (۱۹۹۹) و کاوانا و درنان (۲۰۰۸) می‌باشد. افزون بر این، مطالعه شخصی و مستمر دانشجویان در گذراندن بهینه دوره موثر واقع می‌شود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که حمایت مالی دانشگاه از دانشجویان در ایجاد انگیزه برای انجام تکالیف انکارناپذیر است. نتایج این پژوهش بینش‌هایی را به ذینفعان مختلف، از جمله جامعه دانشگاهی عالی، سیاست‌گذاران آموزش عالی و نهادهای حرفه‌ای و اعتباربخشی، در مورد درک دانشجویان فعلی از مهارت‌های یک فارغ‌التحصیل ارائه می‌دهند. این بینش‌ها به ذینفعان کمک می‌کند تا ابتکارات و روش‌هایی را با تمرکز بر پر کردن شکاف‌هایی که ممکن است در درک و آگاهی دانشجویان در مورد مهارت‌های مورد نیاز فارغ‌التحصیلان در زمینه حسابداری و مالی وجود داشته باشد، توسعه دهند.

تحقیقات کیفی با توجه به ذات و ماهیتی که دارند، با محدودیت مواجه اند. از طرفی با توجه به نمونه‌های آماری این تحقیق که همگی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بودند، محدودیت تعمیم‌پذیری وجود دارد. در پژوهش حاضر، نگرش دانشجویان کارشناسی ارشد به این دوره مورد کنکاش قرار گرفت. پژوهشگران آتی می‌توانند از منظر اساتید و مدرسان، مقطع کارشناسی ارشد را مورد واکاوی قرار دهند. همچنین برای توجه بیشتر به دیدگاه‌های مبتنی بر جنسیت جهت کشف و درک هر گونه تفاوت بین نگرش‌های مرد و زن نسبت به دروس حسابداری، این پژوهش می‌تواند در نمونه‌های مجزایی انجام شود. از سوی دیگر پژوهشگران می‌توانند با انجام این موضوع در میان جامعه آماری متشکل از دانشجویان دانشگاه آزاد، غیر انتفاعی و موسسات خصوصی، به سنجش و تحلیل نگرش‌های سایر اقشار دانشجویی بپردازند.

### کتابنامه

- ازکیا، مصطفی و دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، انتشارات کیهان، (۱) ۱.
- افشار، ابراهیم. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمین‌های، تهران، نشر نی.
- اکیدی، مریم. (۱۳۹۸). سنجش نگرش و ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد نسبت به نقش برنامه‌های درسی رشته تحصیلی خود در کسب مهارت‌های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آنها. مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، (۱) ۱.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۴). استانداردهای آموزش عالی: از آرمان تا واقعیت، فصلنامه نامه آموزش عالی، ۸(۳۰): ۱۱-۲۳.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم تحقیقات.

حسینی، علی و خوئینی، مهین. (۱۳۹۹). نقش ارزش‌های فرهنگی در عوامل موثر بر انتخاب شغل در حرفه حسابداری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰ (۳۷): ۵۵-۸۰.  
طهاسب زاده شیخلار، داود؛ مهین حسین نیا، فاطمه؛ عظیمی آقبلاغ، احد و سیدی نظری، سیدطاهر. (۱۳۹۸). ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی بر اساس مدل کانو. فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۹ (۲۸): ۷۵-۱۰۶.

کریمی، غلامرضا و تاجیک، کامران. (۱۳۹۴). تدوین مدل گزارشگری حسابداری تورمی در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲ (۱): ۱۰۵-۱۲۴.  
همتی، فاطمه؛ پزشکیاراد، غلامرضا؛ چیدری، محمد. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت شغلیی موفقیت شغلی دانش‌آموختگان مراکز آموزش کشاورزی استان آذربایجان شرقی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۳ (۱): ۸-۱.

## References

- Abun, D. (2021). The Attitude of Graduate students toward Research and their Intention to Conduct Research in the Future. *Available at SSRN 3807893*.
- Afshar, I. (2012). Fundamentals of qualitative research: techniques and stages of field theory production, Tehran: Ney publication. (In Persian)
- Akidi, M. (2018). Measuring the attitudes and perceptions of students and master's graduates regarding the role of the curriculum of their field of study in acquiring job skills, job expectations and their chances of employment. *Studies and Research in Behavioral Sciences*, 1 (1). (In Persian)
- Albrecht, W. S., and R. J. Sack, 2000, Accounting education: charting the course through a perilous, *Accounting Education Series* 16, 1-72.
- Azkiya, M., and Darban Astana, A. (2003). Applied research methods, Keyhan Publications, 1 (1). (In Persian)
- Barrera, S. D. (2011). Teorias cognitivas da motivação e sua relação com o desempenho escolar. *Póiesis Pedagógica*, 8(2), 159-175
- Barrick, R. K., Easterly, R. G., & Rieger, M. W. (2011). Assessment of graduate student productivity and satisfaction. *NACTA Journal*, 55(2), 54-60.
- Barrie, S., 2004, A research-based approach to generic graduate attributes policy, *Higher Education Research and Development* 23:3, 261-275
- Becket, N. & Brookes, M. (2005). Analysing quality audits in higher education. *Brookes eJournal of Learning & Teaching*, 1 (2), 1- 22.
- Bekoe, R. A., Owusu, G. M. Y., Ofori, C. G., Essel-Anderson, A., & Welbeck, E. E. (2018). Attitudes towards accounting and intention to major in accounting: a logistic regression analysis. *Journal of Accounting in Emerging Economies*.
- Belas, j., Gavurová, Beáta., Zvarikova, K., & Kacerauskas, T. (2017). Social and economic factors affecting the entrepreneurial intention of university students. *Transformations in Business & Economics*, 16(3), 220-239.

- Bobe, B. J., & Cooper, B. J. (2018). Accounting students' perceptions of effective teaching and approaches to learning: Impact on overall student satisfaction. *Accounting & Finance*, 60(3), 2099-2143.
- Boud, D., and G. Feletti, 1991, *The Challenge of Problem Based Learning* (Kogan Page, London).
- Braun, N. M., 2004, Critical thinking in the business curriculum, *Journal of Education for competency requirements for accounting graduates*, *Journal of Education for Business*.
- Braun, V. & Clark, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology . *Qualitative Research in Psychology*, 3(2): 77-101.
- Castañon, G. A. (2007). O cognitivismo é humanismo. *Psicologia Argumento*, 25(48), 51-64.
- Chi, T. K., Sin Yi, T., Al Mamun, A., Hayat, N., Salamah, A. A., & Yang, Q. (2022). Predicting the intention to pursue Certified Professional Accountancy qualification among the accounting students. *Frontiers in Psychology*, 13, 860204.
- Chitescu, R. I., & Lixandru, M. (2016). The influence of the social, political and economic impact on human resources, as a determinant factor of sustainable development. *Procedia Economics and Finance*, 39, 820-826.
- Cooper, B., 2002, The future accountant [online; 10 June 2005]. Available: <http://www.thehindubusinessline.com/bline/2002/07/04/stories/2002070400371100.htm>.
- Cunha, T., Martins, H., Carvalho, A., & Carmo, C. (2022). Not Practicing What You Preach: How Is Accounting Higher Education Preparing the Future of Accounting. *Education Sciences*, 12(7), 432.
- De Lange, P., Jackling, B., & Gut, A. M. (2006). Accounting graduates' perceptions of skills emphasis in undergraduate courses: an investigation from two Victorian universities. *Accounting & Finance*, 46(3), 365-386.
- Durso, S. D. O., Cunha, J. V. A. D., Neves, P. A., & Teixeira, J. D. V. (2016). Motivational factors for the master's degree: A comparison between students in accounting and economics in the light of the self-determination theory. *Revista Contabilidade & Finanças*, 27, 243-258.
- Fatokun, S., & Ojo, G. (2004). Attitude of graduating accounting students in Nigerian universities to postgraduate studies in accountancy: A career expository study. *Journal of Social Sciences*, 9(1), 19-22.
- Forss, K.; Rebien, C. C. & Carlsson, J. (2002). Process use of evaluations: Types of use that precede lessons learned and feedback. *Evaluation*, 8 (1), 29- 45



- Hariri, N. (2006). Principles and methods of qualitative research. First edition, Tehran, Islamic Azad University - Research Sciences Unit. (In Persian)
- Hosseini, A., and Khoeini, Ma. (2019). The role of cultural values in influencing factors on career choice in the accounting profession. *Experimental Accounting Research*, 10 (37), pp. 55-80. (In Persian)
- Howieson, B., 2003, Accounting practice in the new millennium: is accounting education ready to meet the challenge? *British Accounting Review* 35, 60–104.
- Hunton, J. E., 2002, Blending information and communication technology with accounting.
- Jepsen DM & Neumann R (2010) Undergraduate student intentions for postgraduate study. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 32.
- Karami, Gh., and Tajik, K. (2014). Compilation of inflation accounting reporting model in Iran. *Accounting and Auditing Reviews*, 22(1), pp. 105-124. (In Persian).
- Kavanagh, M. H., & Drennan, L. (2008). What skills and attributes does an accounting graduate need? Evidence from student perceptions and employer expectations. *Accounting & Finance*, 48(2), 279-300.
- King, N., & Horrocks, C. (2010). Interviews in qualitative research. London: Sage.
- Kromydas, T. (2017). Rethinking higher education and its relationship with social inequalities: past knowledge, present state and future potential. *Palgrave communications*, 3(1), 1-12.
- Kutlu, H. A., & Öztürk, S. (2018). Basic Factors That Affect the Students' Attitudes Towards Accounting Courses: A Research. *Journal of Research in Business*, 3(1), 9-30.
- Leal, E. A., Miranda, G. J., & Carmo, C. R. S. (2013). Teoria da Autodeterminação: uma análise da motivação dos estudantes do curso de Ciências Contábeis. *Revista Contabilidade & Finanças*, 24(62), 162- 173
- Lee, D. W., and C. Blaszczyński, 1999, Perspectives of 'Fortune 500' executives on the.
- Lopes, C. E., & Abib, J. A. D. (2003). O behaviorismo radical como filosofia da mente. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 16(1), 85-94.
- Mathews, M. R., 2000, Accounting in Higher Education: Report of the Review of the Accounting Discipline in Higher Education (Commissioned by the Department of Employment, Education and Training, AGPS, Canberra, ACT).

- Mbawuni, J. (2015). Examining Students' Feelings and Perceptions of Accounting Profession in a Developing Country: The Role of Gender and Student Category. *International Education Studies*, 8(6), 9-23.
- Osmani, M., Hindi, N., Al-Esmail, R., & Weerakkody, V. (2017). Examining graduate skills in accounting and finance: The perception of Middle Eastern students. *Industry and Higher Education*, 31(5), 318-327.
- Penna, A. G. (2001). *Introdução à motivação e emoção*. Rio de Janeiro, RJ: Imago.
- Phillips, E. M. & Pugh, D. S. (2000). *How to get a PhD: A handbook for students and their supervisors*. Third edition. Maidenhead: Open University Press research, Accounting Horizons 16, 56–67.
- Sampaio, M. I. C. (2005). *Motivação no trabalho cooperativo: o caso da rede brasileira de bibliotecas da área de psicologia – ReBAP*. (Master's Dissertation). Escola de Comunicação e Artes, Universidade de São Paulo, São Paulo, SP, Brasil.
- Smith, B., Maguire, W., & Han, H. H. (2018). Generic skills in accounting: perspectives of Chinese postgraduate students. *Accounting & Finance*, 58(2), 535-559.
- Tahasbzadeh Sheikhlari, D; Mahin Hossein Nia, F; Azimi Aqbalag, A and Seyyed Nazarlou, T. (2018). Evaluation of the quality of the curriculum of the master's course in the field of curriculum planning based on the Kano model. *Quarterly Journal of Educational Measurement and Evaluation Studies*, 9 (28), pp. 106-75. (In Persian)
- Tailab, M. (2013). Difficulties of academic achievement in principles of accounting courses from the student perspective: Evidence from Libya. *Higher Education Studies*, 3(5).
- Toyan, E. (1995). "Why Dons are Sad". *Daily Sketch*.
- Van Wyhe, G., (1994), *The Struggle for Status: A History of Accounting Education* (Garland Publishing, New York).
- Weligamage, S. (2009). Graduates' Employability Skills: Evidence from Literature Review". Lecturer, Department of Accountancy, university of kelaniyasrilanka.. pp: 719-779.
- West, R., 1998, *Learning for life: Higher education review – Final report* (Department of Employment, Education, Training, and Youth Affairs) [online; cited 12 July 2004]. Available: <http://www.deetya.gov.au/divisions/hed/hereview/execsum1.htm>.
- Xiao, J. J., & O'Neill, B. (2016). Consumer financial education and financial capability. *International Journal of Consumer Studies*, 40(6), 712–721.

Yusri, y. Yao, o., Mohd Said, m & Mahyuddin,n. (2021). Attitude toward Accounting: A Study among Secondary School Students in Malaysia. *imalayan Journal of Economics and Business Management* .2(5).

Zeegers M & Barron D (2009) Honours: a taken-for-granted pathway to research? *Higher Education*, 54, 567–575.